



امانت گرانبهایی که خداوند فقط به انسان داد/ تفاوت سماع و استماع

چهره ماندگار فلسفه گفت: انسان امانت دار خداوند است و عقل آن امانت گرانبهایی بود که خداوند فقط به انسان داد.

چهره ماندگار فلسفه گفت: انسان امانت دار خداوند است و عقل آن امانت گرانبهایی بود که خداوند فقط به انسان داد.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت که از شبکه چهارم سیما پخش می شود در تفسیر اشعاری از وحشی بافقی اظهار داشت: قبل از هر چیز باید درباره دو کلمه وحشی و خاموشی صحبت کنم. وحشی و خاموشی چیست؟ کلمه وحشی از توحش می آید یعنی دور از تمدن. می گویند حیوان وحشی است، یعنی تمدن ندارد. حالا چرا این شاعر قرن دهم تخلص وحشی گرفته است؟

وی گفت: او معنی بد این کلمه را تخلص نکرده است. او می خواهد بگوید که از غوغای زمانه خود را دور نگهداشته است و از غوغای روزمرگی دور شده است. می خواهد بگوید من روزمره نیستم. اینجا است که بین وحشی و خاموشی ارتباط پیدا می شود. کلمه وحشی در اینجا معنی بد ندارد.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران اظهار کرد: حالا خاموشی و سکوت چیست؟ سکوت در مقابل نطق است. خاموشی در مقابل سخن گفتن است. می گوئیم انسان، حیوان سخنگو است. هیچ موجودی در عالم سخن نمی گوید. انسان چون مفهوم می سازد، سخن می گوید. انسان قدرت مفهوم سازی دارد. گستره عالم مفهوم اندازه ندارد.

چهره ماندگار فلسفه بیان داشت: انسان بر حسب ذات ناطق است. خاموشی از سخن گفتن سخت تر است. اگر کسی نتواند لحظه ای خاموش بماند، سخن گفتن او بی فایده است. اگر کسی بتواند خوب خاموش بماند می تواند خوب سخن بگوید.

ابراهیمی دینانی گفت: گاهی مردم از زمانه گلایه می کنند و می گویند زمانه به ما چیزی نداده است. در جواب آنها باید گفت زمان خودش را به ما داده است، در واقع هر چیز داشته است به ما داده است، چون خودش را به ما داده است. حالا که او خودش را به ما داده است که چند صباحی در آن زندگی کنیم، باید از آن استفاده کنیم. این مشکل ما است که از زمان استفاده نمی کنیم.

وی اظهار داشت: در خاموشی باید اندیشید. وقتی خوب اندیشیدی خوب هم سخن می گویی. اگر ظلمت و تاریکی نبود، چراغ معنی نداشت. نور چراغ برای رفع تاریکی است. اگر تاریکی نبود نور معنی پیدا نمی کرد. ظلمت در مقابل نور. اهریمن در مقابل یزدان. خوب در مقابل بد، این دیالکتیک است.

این استاد دانشگاه افزود: حکمت نتیجه تفکر است. بین فکر و تفکر فرق است. بین اندیشه و اندیشیدن تفاوت است. فکر یعنی آنچه که هست، تفکر یعنی اندیشیدن. اندیشیدن یعنی نو به نو شدن اندیشه. اگر کسی اندیشیدن نداشته باشد، اندیشه هم ندارد. اگر اندیشه باشد، اندیشیدن نباشد، آن اندیشه کهنه می شود. در اندیشیدن کهنگی معنا ندارد. اندیشه کهنه ممکن است داشته باشیم، اما اندیشیدن کهنه نداریم.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران با اشاره به یکی از آیه های قرآن بیان داشت: ما یک سماع داریم یک استماع داریم. بین آنها فرق است. سماع شنیدن است، استماع به معنی رفتن است. استماع از سماع بالاتر است. انفس از هر دوی آنها بالاتر است، یعنی آن چیزی که معنی آن را فهمیدی دوباره درباره آن معنی بیندیشی.

چهره ماندگار فلسفه اظهار داشت: ما یک حیات داریم و یک حی داریم. حی را می شود اندازه گرفت، اما حیات را نمی توان اندازه گرفت. حی از حیات پیدا می شود. ظاهر را می شود اندازه گرفت، اما باطن را نمی شود اندازه گرفت. ما به حی می پردازیم و از حیات غافلیم. در حیات هم حیات معنوی داریم.

ابراهیمی دینانی افزود: صورت بدون معنی هیچ فایده ای ندارد. ما هیچ چیز بدون معنی در این عالم نداریم. از ذره تا

کهکشانش همه چیز معنی دارد. خود بی معنایی هم معنا دارد. معنی آن بی معنایی است. بی معنایی وجود ندارد.

وی بیان داشت: امروزه در عالم همه چیز را نسبی می دانند. آیا نسبی بودن هم نسبی است؟ اگر نسبی بودن نسبی باشد، یعنی می تواند یک لحظه نسبی نباشد. پس این ادعا مطلق است.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران گفت: گاهی یک لحظه سکوت از یک عالم سخن گفتن رساتر است. البته در جایی که جای سکوت باشد. اگر کسی جای سکوت و سخن را با هم قاطی نکرد، حکیم است.

چهره ماندگار فلسفه در پایان خاطرنشان کرد: امانت داری یک نوع خموشی است. مظهر خموشی امانت دار بودن است. انسان امانت دار خداوند است. عقل آن امانت گرانبهایی بود که خداوند فقط به انسان داد.